

## تاریخ و جغرافیای هند

• زینب محمدپور



کتاب تاریخ و جغرافیای هند، سه رساله د باب تاریخ و جغرافیای شبه قاره هند است که در زمان قاجاریه نوشته شده. جمشید کیانفر این سه رساله را تصحیح و در مجموعه گنجینه بهارستان در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسانده است. رساله‌ی جغرافیای هندوستان و رساله‌ی جغرافیا و تاریخ سیلان و حالت حالیه‌ی آن ترجمه سید حسین حسینی شیرازی از مترجمان عهد ناصرالدین شاه و سیاحتنامه مسیو سیمون باغبان‌باشی به هند ترجمه میرزا رجبعلی زیرک از مترجمان دوره مظفری، از رسالات این مجموعه است.

کتاب با مقدمه‌ای از رسول جعفریان رئیس کتابخانه مجلس شروع می‌شود. در این مقدمه‌ی وزین، آقای جعفریان از مشابهت‌های فرهنگی و تاریخی هند می‌گوید و متذکر می‌شود با این که سهم فرهنگ ایرانی در هند بسیار عمیق و طولانی است ولی به دلیل تغییرات شگرف زبانی و فرهنگی که در هند رخ داده این دو کانون از یکدیگر فاصله گرفته‌اند و هر روز فاصله‌اندیشان با آن مقطع تاریخی و میراث آن بیشتر می‌شود.

آقای جمشید کیانفر که گردآوری این مجموعه را به عهده دارد، در مقدمه‌ی خود از تاریخ شبه قاره هند اطلاعات مختصر و مفیدی ارائه کرده است. اطلاعاتی که او پیرامون تاریخ شبه قاره هند آورده از ورود مسلمانان در سده‌ی اول هجری و حملات هفده گانه‌ی محمود غزنوی به هند شروع می‌شود. نخستین سلطان مسلمان در شبه قاره هند قطب الدین ایبک (متوفی ۶۰۷ قمری) بود که پس از او حکومت‌های کوچک محلی در هند رشد کردند و سرانجام توسط بابریان هند (۹۳۲-۱۲۷۴ قمری) برافتادند. اکبر امپراتور مسلمان گورکانی، اولین امپراتور مسلمان بود که کوشید با هندوها یک دولت ملی تأسیس کند. او همچنین از هنر و ادبیات فارسی حمایت کرد. پس از او جهانگیر، شاه جهان و اورنگ زیب نیز راه او را ادامه دادند. کاخ‌ها، مساجد، دژها، آرامگاه‌ها، باغ‌های دلنواز در شهرهایی چون لاهور و دهلی و آگره همه شواهدی از فرهنگ غنی بابریان است.

در مقدمه کیانفر، همچنین از استیلای انگلستان بر شبه قاره مجملی آمده و اینکه توسعه سیاسی کمپانی هند شرقی با قطع نفوذ و حقوق امرای بومی و فرمانروایان ببری هند همراه شد. نارضایتی بومیان و قیامشان با بیرحمی در سال ۱۸۵۸ میلادی سرکوب شد. انتقال حکمرانی از شرکت کمپانی هند شرقی به تاج و تخت بریتانیا نتیجه این شورش بود. پرتغال و فرانسه نیز مستعمراتی در هندوستان داشتند.

سرانجام در سال ۱۹۴۷ میلادی پای استعمارگران از خاک هندوستان بریده

- گنجینه بهارستان (تاریخ و جغرافیای شبه قاره)
- به کوشش جمشید کیانفر
- با مقدمه رسول جعفریان
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۴۴۷

شد ولی از تأثیرات شوم حضور آنان پدید آمدن سه کشور جدید پاکستان، بنگلادش و هند جدید بود.

پس از این مقدمه مختصر از تاریخ شبه قاره هند مصحح، رساله جغرافیای هندوستان ترجمه سید حسین حسینی را آورده است. کیانفر ابتدا از شیوه کار تصحیح نسخه خطی نوشته است و مترجم دوران ناصری هم دیباچه‌ای پرطمطراق بر کارش دارد. سید حسین حسینی شیرازی از مترجمان درباری وزارت انطباعات به ریاست محمد حسن خان اعتمادالسلطنه بود که به ترجمه کتب و روزنامه‌های چاپ هند همت گماشت تا به زعمش هر گاه سخن از هند شود «در آن سخن به چشم بصیرت ببیند».

رساله او شرح کاملی از جغرافیای هندوستان است ولی از آنجا که مترجم ظاهراً خودش سفری به هند نداشته، اشتباهات جغرافیایی در جا و نام مکان‌ها مرتکب شده است. رساله او با توضیحی پیرامون علم جغرافیا و فایده آن و اصطلاحات رایج آن زمان شروع شده. وضعیت جغرافیایی هندوستان، استعدادها، کشاورزی و جمعیتی، احوال کوه هیمالیا، رودها، مرداب‌ها، خلیج‌ها و جزایر هندوستان از توضیحات دیگر حسینی است. مترجم سپس از صنعت و حرفه و زراعت اهالی هندوستان آورده و مردمان هند را باهوش و رقیق القلب می‌نامد که بر اثر گرمی هوا سست عنصر و کاهل و راحت طلب شده‌اند که در هیچ امری متفکر القول نیستند. به اتلاف مال میل مفرطی دارند و در خیال اندوختن مال برای آینده نیستند. در اینجا تفکر تأثیر و غلبه مستقیم طبیعت بر زندگی و اخلاقیات انسان در ذهن مترجم مشهود است. از نظر مترجم، اهالی هند از جهت آموختن علوم روز به روز ترقی می‌کنند زیرا مانند سابق بعضی قیود مذهبی را ندارند. به زعم او از سال ۱۸۵۷ میلادی که انگلیسی‌ها بر هند استیلا یافتند هر روز به ترقیات اهالی هندوستان افزوده می‌شود. از توجهات «دولت بهیبه انگلیس» هر گونه علم در آن مملکت رواج یافته است.

چون مترجم متونی را ترجمه کرده است، که در هند چاپ می‌شد و از دور ناظر این سرزمین و تغییرات آن بوده است، تنها به عمران و آبادانی که انگلیسی‌ها برای خودشان در هند ایجاد کرده بودند توجه می‌کند. استعمارگران به منظور استفاده بهتر و بیشتر از منابع طبیعی و انسانی هندوستان، دست به عمران و آبادانی و تأسیس مدارس زدند. حتی اگر یک هندی اجازه می‌یافت در این مدارس درس بخواند، می‌بایست به ملک ملاک انگلیسی باز می‌گشت و از علمی که آموخته بود در راه خدمت به ارباب استفاده می‌کرد.

سید حسین حسینی راه‌آهنی که انگلیسی‌ها کشیده بودند را از عوامل ترقی هند می‌داند. در واقع در زمان مترجم تفکر ساخت راه‌آهن در اذهان برخی از رجال ایران نیز رسوخ کرده بود.

فهرستی از معادن، تجارت، احوال حکومت فعلیه هندوستان، بتخانه‌ها و پرستشگاه‌ها، نواحی بیلاقی انگلیسی‌ها، کارخانه‌ها و شهرهای پرجمعیت از دیگر مطالب این رساله است. ولی آنچه در این قسمت مشهود است، پراکندگی گفتار مترجم و عدم رعایت موضوعی مطالب می‌باشد. مترجم که تنها به ترجمه روزنامه‌های هند و کتاب‌هایی پیرامون آن پرداخته، از وضعیت داخلی هند اطلاع چندانی ندارد. چنانکه به استعمار آشکار هندیان توسط انگلیسی‌ها توجه نکرده و ظواهری را مد نظر قرار داده که روزنامه‌ها القا کرده‌اند.

جغرافیا و تاریخ سیلان و حالت حالیه آن نیز رساله دیگری از همین مترجم

درباری، یعنی سید حسین حسینی، است که توسط پروین استخری تصحیح شده است. در مقدمه مصحح، مختصری از تاریخ هند، حضور آریایی‌ها در شبه قاره، فتح هند در سال ۹۳ قمری، لشکرکشی محمود غزنوی، تشکیل دولت گورکانی هند و رواج زبان فارسی در تمام این دوره‌ها یادآور شده است. رساله اگرچه عنوان تاریخ و جغرافیای سیلان دارد اما در حقیقت رساله‌ای درباره‌ی شبه قاره هند است. مترجم دلیل نوشتن این کتابچه را «آگاهی خواننده از اوضاع حکومت‌های مستقله مملکت مزبور و عده قشون آن‌ها و استعداد و روابطی که با دولت انگلیس دارند و محارباتی که فیما بین ایشان و دولت انگلیس اتفاق افتاده» ذکر کرده و مانند رساله پیشین ترجمه روزنامه‌های هندی است.

مترجم کتابچه خود را با توصیف یک جشن آیینی در بین هندیان شروع می‌کند و برخلاف رساله گذشته تحلیل خود را نیز در حاشیه آورده است. سپس از خوشی آب و هوای سیلان مطالبی را می‌آورد و متذکر می‌شود که این سرزمین اصلاً برای تولید چای پدید آمده است. همچنین مقاله‌ای که درباره مرغوبیت چای سیلان در یکی از روزنامه‌های انگلیسی به چاپ رسیده را نیز ترجمه کرده است.

در خصوص جواهرات سیلان یا همان سرانیدیب نیز حسینی فهرستی ارائه کرده است ولی متذکر می‌شود که این معادن به انگلیسی‌ها اختصاص دارد و اظهار تعجب می‌کند که چرا اروپاییان برای حفاری معادن بسیار ارزشمند سیلان از ماشین‌های بخار استفاده نمی‌کنند!

پس از توضیحات مختصر دیگر درباره سرانیدیب، مترجم به احوالات هندوستان می‌پردازد. تاریخ حالات لشکری و کشوری فرمانروایان بومی هندوستان شرحی از استعمار انگلیس و خودفروختگی حکمرانان محلی مطالب بعدی این کتابچه را شامل می‌شود. او متذکر می‌شود در حالی که حکام مسلمان سرزمین‌های خود و اختیاراتش را به استعمارگران واگذار می‌کردند، مرهته بت پرست و بودایی سلاح مبارزه با انگلیسی‌ها را به دست گرفتند.

فرانسوی‌ها نیز در این میانه بیکار نبودند و با اختلاف‌افکنی میان امرای گورکانی آنان را ترغیب می‌کردند که علیه حکومت مرکزی شورش کنند. درگیری فرانسه و انگلیس در صحنه بین المللی به زودی به هند کشیده شد. فرانسه که قصد کرده بود گلوی انگلیس را در مستعمراتش بفشارد، درگیری‌های خود را به این سرزمین آورد و این به قیمت فنا شدن مردم بومی هند در این میانه بود.

حسینی اذعان می‌دارد انگلیسی‌ها حتی در ایالاتی که حاکمان مسلمان دارد، ساحلوی نظامی نیز ایجاد نکرده‌اند؛ چرا که آنان استعدادی که باعث خوف و خطر حکام انگلیس باشد ندارند چرا که نواب و رؤسای ذکر شده «آسوده‌خاطر و پی‌عیاشی و شکار و گردشند». همچنین از تلاش‌های تیبو سلطان برای مبارزه با انگلیسی‌ها نیز مطالبی آورده است. حکومت زنان هندو و مسلمان در هند نیز از دیگر مطالبی است که توجه مترجم را برای ترجمه به خود جلب کرده.

مترجم در بخش احوال مملکت نیپال، تجاوز آشکار انگلیس به نیپال را به صورت حقی طبیعی برای استعمارگران قائل شده و آن را مجاز و قانونی شمرده است و حتی معتقد است که کلات و بلوچستان به‌واسطه‌ی حضور انگلیسی‌ها «چندی نمی‌گذرد که محصولات و آبادی آنجا به اعلی درجه

## کتاب تاریخ و جغرافیای هند، سه رساله در باب تاریخ و جغرافیای شبه قاره هند است که در زمان قاجاریه نوشته شده. رساله‌ی جغرافیای هندوستان و رساله‌ی جغرافیا و تاریخ سیلان و حالت حالیه‌ی آن

# تاریخ و جغرافیای هند

پایان تحصیل موظف بودند به ملک صاحب زمین باز گردند و در آنجا خدمت کنند. (۳۲۶)

سیمون در همه جای سفرنامه خود واله و شیفته سرزمین هندوستان است و زیبایی‌اش را می ستاید. از آنجاکه او گیاه‌شناس است، به گل‌ها و درخت‌ها و گیاهان هند توجه خاصی دارد و به هر شهری که می‌رسد ابتدا از میزان و نوع گیاهان آن می نویسد. حجاری، منبت کاری، نقاشی، میناکاری و خاتم‌سازی نیز از زیبایی‌های دیگری است که توجه سیاح را به خود جلب نموده است. مثلاً جای گلوله توپ بر حصار مرمری تراشیده کاخ امپراتوری گورکانی در آگره را با تأسف نگاه می‌کند و سکنای سربازان انگلیسی را در این کاخ زیبا توهین و بی‌احترامی بزرگی تلقی کرده است. از شهر کام پور به عنوان شهری که یادآور دلاوری‌های مردان و زنان هندی در برابر انگلیسی‌هاست یاد می‌کند.

با تمام این جانبداری‌ها نباید فراموش کرد که سیمون یک فرانسوی است و فرانسوی‌ها در این زمان نتوانسته بودند مانند انگلیس مستعمره مناسب و ثروتمندی در هند بیابند. بنابراین آن عداوت دیرینه فرانسه و انگلیس را نباید دور از ذهن داشت. سیمون هم یک استعمارگر است و عداوتش با انگلیس از سر محبت و دلسوزی به هندیان نیست، بلکه از سر حسرت نداشتن متصرفات در هندوستان است. چنانکه می‌نویسد «انگلیس بر خوان نعمت گسترده نشسته و فرانسه تنها ناظر این سفره بوده و به واسطه غفلت خود امروز باید به ریزه‌چینی این خوان قناعت کند» (۳۵۶)

سیمون برخلاف حسینی مترجم که از دور هندوستان را می‌دید، از نزدیک آن را دیده و و چهره‌ی زشت استعمار را نشان داده است. او از بمبئی می‌نویسد که دو قسمت شده بود، بمبئی اروپایی که بهشت هندوستان بود و بمبئی هندیان که کثیف، محقر و مکان زندگی بومیان هندی است. (۳۷۰) این تصویری گویا از عمران و آبادی هندوستان به دست استعمارگران انگلیسی است. رفاه و ثروت برای استعمارگران و بدبختی و فلاکت برای بومیانی که تمام امکانات کشورشان را در اختیار بیگانگان قرار داده بودند. نتیجه‌ی بارز حضور استعمار پیر در هندوستان بود.

هرچند که ترجمه‌ی سفرنامه سیمون خالی از اشکالات فراوان و ویرایشی نیست، ولی زیبا نوشته شده است. حسین حسینی با دو رساله‌اش سعی کرده هند را چنان معرفی کند که خواننده به خوبی این سرزمین را تصور کند ولی سیمون از عهده کار برآمده است. سفرنامه او آینه‌ای است هرچند کوچک ولی به همان نسبت زیبایی‌های طبیعی هند و وضعیت مردمان مختلف این سرزمین را جلوه‌گر ساخته است.

ترقی می‌رسد». علایق و سیاست‌های انگلیسی‌مآبانه‌ی مترجم درباری، از تمام سطور این کتابچه مشهود است ولی نسبت به رساله قبل از انسجام بیشتری برخوردار است و پراکندگی موضوع که در رساله پیشین مشهود است، در این رساله کمتر به چشم می‌خورد.

سیاحتنامه مسیو سیمون باغبانباشی ترجمه رجبعلی زیرک از مترجمان دوره مظفرالدین شاه از نظر ساختاری و نوشتاری با دو رساله پیشین کاملاً متفاوت است. مسیو سیمون فرانسوی از درباریان مظفرالدین شاه بود که به درخواست شاه عازم هندوستان شد تا حیوانات نادر و گیاهان کمیاب را به ایران بیاورد. تفاوت این سفرنامه با رساله پیشین این است که نویسنده آن سفری به هند داشته و از نزدیک این سرزمین را دیده و نگاه ریزبینش بسیاری از حوادث را ثبت کرده است. رجبعلی زیرک بسیار بد سفرنامه زبان فرانسه او را ترجمه کرده و مصحح نیز بدون تغییر ویرایشی آن را بازنویسی کرده است.

مسیو سیمون گیاه‌شناس بود و سفرنامه او اطلاعات خوبی از هند تحت استعمار، پدیده راه‌آهن، کشاورزی و باغداری، صنایع، شیوه زندگی، طبقات مردم، نقش زنان در تولید و حوادث طبیعی دارد. همچنین اطلاعات مفیدی از وضعیت ایران در زمان مظفری ارائه می‌دهد.

سیمون در ژانویه سال ۱۸۹۸ میلادی از تهران عازم جنوب ایران شد تا از راه دریا به هند برود. در راه او از وضعیت فلاکت بار مردم ایران، شیوه‌های عقب‌مانده‌ی کشاورزی، نامنی راه‌آهن، دزدی، آفت‌های مزارع، عدم توجه مردم به آثار تاریخی و تخریب آنان می‌نویسد. (۳۰۸)

سیمون در فوریه به بندر کراچی می‌رسد و می‌نویسد کسی از هندیان حق حمل اسلحه ندارد تنها انگلیسی‌ها حق داشتن سلاح داشتند. سیمون متذکر می‌شود که انگلیسی‌ها به واسطه زور اسلحه هند را مالک شده‌اند. (۳۱۷) در حالی که انگلیسی‌ها در کراچی همه سوار بر اسب و مرکبند، هندیان پیاده با شتر رفت و آمد می‌کنند. (۳۱۹) او حضور انگلیسی‌ها را در هند مفید فایده دانسته و می‌نویسد «نعمت‌های تمدن و تربیت چقدر نتایج مفیده به این مملکت داده است انگلیسی‌ها که مردمانی عالم و عاملند گنج‌هایی که این زمین لم یزرع دربردارد زود شناختند و با حفر قنات از زمین‌های حاصل خیز بهره بردند. آن‌ها هزار مقابل آنچه خرج کرده‌اند از این قنات بهره برده‌اند.» (۳۲۱) او نیز عمران و آبادی هند را تنها به واسطه حضور انگلیسی‌ها در هند می‌داند. ولی نباید از نظر دور داشت که به هر حال حضور آنان در هند باعث آبادانی شد هرچند که سود حاصل از آن به استعمارگران رسید. مثلاً ملاکین متشخص هندوستان که از انگلیسی‌ها بودند از بین رعایای خود جوانانی را انتخاب می‌کردند و به مدارس فلاحی می‌فرستادند. این جوانان پس از